



بِرِّدْ جِلَه

خاطرات مردم عراق
از ایام شهادت حاج قاسم سلیمانی
و ابومهدی المهندس

مصاحبه: جعفر الهایی

تدوین: نرگس لقمانیان، فاطمه ملکی

فهرست

۷	پیشگفتار ناشر
۱۳	مقدمه
۱۷	خاطرات
۱۵۱	تصاویر

پیشگفتار ناشر

حاشیه‌ها؛ منجی متن

نقل است روزی که در بازار برده فروش‌ها یوسف را می‌فروختند، پیرزنی با دوک نخ‌ی در صف خریداران ایشان ایستاده بود؛ اما دوک نخ او کجا و خریدن یوسف علیه السلام کجا... این نقل و حکایت معلوم نیست واقعی است یا نه؛ اما یکی از معدود روایت‌های مردمی و «حاشیه»‌ای از قصه‌های حضرت یوسف است که زیبایی و تأثیر جمال یوسف بر مردم شهر را به خوبی به تصویر می‌کشد.

از دفاع مقدس ماجرای تخم مرغ اهدایی از روستایی دورافتاده یا کمک دختر بچه‌ای مستضعف را که توان خرید کمپوت نداشت و قوطی کمپوتی را برای رزمنده‌ها فرستاد تا به جای لیوان استفاده کنند، شنیده‌ایم. این خاطره‌ها و صدها خاطره و روایت دیگر، حاشیه‌ای بر متن جنگ‌اند؛ منجیانی که تصویر ذهنی ما را از مردم و جامعه و جنگ کامل کرده و تمایز هویتی جامعه ما را با دیگر ملت‌ها آشکار می‌کند.

در پیاده‌روی اربعین، اباعبدالله علیه السلام، متنِ بلامنازع است و به عدد زوار و خدام و موکب‌ها، حاشیه‌هایی هستند متکثر و هر روایت حاشیه‌ای، جان مستمع و خواننده را جلایی می‌دهد منحصر به فرد. قصه آن که هیچ نداشت برای پذیرایی زوار را شنیده‌اید؛ همو که

آخر الامر سایه اش شد خدمتی به زائر خسته. با شنیدن این دست روایت هاست که عشق و ارادت در مکتب شیعه را می توان از دیگر دوست داشتن ها تمایز بخشید.

از این اتفاقات در تاریخ اسلام بسیار افتاده و خواهد افتاد؛ اما تعداد محدودی در حافظه ها مانده و به تاریخ و هویت ما رنگ و طعمی ویژه بخشیده است و صد حیف که بیشتر خدادهایی از این دست، مستند و مکتوب نشده اند و از دست رفته اند.

این روایت ها حاشیه های متن اند؛ حاشیه هایی نه مهم تر از متن که منجی متن، این حاشیه ها هر یک تکه ای از بافت هویت ما را شکل می دهند و بدون این ها هویت ما الکن و علیل است.

۱۱. تیپ، حاشیه، شخصیت

اینکه چهل سال پس از انقلاب اسلامی، نسل حاضر، انقلاب و امام خمینی رحمته الله علیه را نه پدیده ای جهانی و تاریخی که پدیده ای سیاسی و مقطعی می دانند، به علت روایت نشدن حاشیه هاست.

جالب اینکه در همین افغانستان، پیش از انقلاب، به جرم داشتن عکس امام، خانه و کاشانه صاحب عکس را آتش زده اند یا برخی دوستداران امام خمینی رحمته الله علیه در غم فراقش جان داده اند و هزاران ماجرای دیگر که در بزرگ ترین تشییع جنازه تاریخ رخ داد و از آن ماجراها هرگز چیزی در تاریخ ثبت نشد تا روزی به تصویر درآید...
ماجرای ارادت قلبی مردم به امام در روزهای پس از ارتحال ایشان قطعاً تصویر دیگری از امام و انقلاب را به نمایش می گذارد و واقعیت جامعه و امت را از دام سیاسی شدن یا نخبگانی بودن نجات می دهد. تیپ شدن، نتیجه محتوم بی توجهی به حاشیه هاست. جزئیات که گفته نشود، برجستگی ها و تمایزها از بین می روند. شخصیت ها تیپ

می‌شوند و در نهایت، تاریخ انقلاب و جنگ و مقاومت «مردمی» ایران در این چهل ساله را از پشتوانهٔ مردمی تهی می‌کند. با حذف مردم از فرهنگ و هویت و تاریخ، جامعهٔ انقلابی به طبقهٔ سیاسی منحصر می‌شود و رنگین‌کمان هویتی انقلاب به نقوش سیاه‌وسفید تبدیل می‌شوند. روایت مردم و حرکت‌های مردمی، یگانه راه نجات این رنگین‌کمان است. شاید از این روست که امام خمینی علیه السلام در تاریخ‌نگاری انقلاب تأکید می‌کردند: «باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها باشد.»

کَهکشان راه سلیمانی

رنگین‌کمان هویت انقلاب اسلامی در آخرین سال‌های دههٔ نود، کهکشانی پُررنگ و نور کم داشت و آن تشیع باشکوه و پرجمعیت بیکر سردار سلیمانی در چند شهر ایران و عراق بود. دربارهٔ شخص حاج قاسم و ابومهدی و یاران شهیدشان گفته‌اند و از این پس هم بسیار خواهند گفت؛ اما حاشیه‌هایی در متن شهادت سردار و یارانش وجود دارد که مانند حاشیه‌های تاریخ اسلام، دفاع مقدس، پیاده‌روی اربعین و... خواندنی و پُرثمر و هویت‌بخش‌اند؛ روایت‌هایی که هریک، ذره‌نوری در کهکشان راه سلیمانی‌اند و قطعاً می‌توانند در بسترهای هنر و اندیشه و رسانه، محصولات و آثار تازه‌ای خلق کنند.

هنر، اندیشه، رسانه و مسئلهٔ جنگ روایت‌ها

هدف از بیان روایت درست متن و حاشیه و تلاش برای از بین نرفتن شخصیت‌ها، پاسداری از هویت و نهضت انقلاب در «جنگ روایت‌ها» است که نه تنها رسانه، بلکه اندیشه و هنر نیز میدان آن است.